

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۶ تا ۳۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

جرم جعل از منظر فقه جزایی، حقوق ایران و انگلستان

| محمد مهدی حیدری | کارشناس ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات خمین، خمین، ایران.

| سهیلا مرادی قلعه* | کارشناس ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی ادیب مازندران، مازندران، ایران.

| امیر محمدی | کارشناس ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

امروزه جهان مواجه با توسعه روزافزون و تنوع فوق‌العاده فعالیت‌های اجتماعی و تجاری و ... است. به موازات این تنوع و تغییر، نحوه عمل جاعلین نیز روز به روز رنگ و شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و بر تعداد و انواع آن افزوده می‌شود، به طوری که این جرم از موارد پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی فراتر رفته و این قانون نتوانسته است کلیت لازم را در خصوص جرایم مرتبط با جعل ایجاد نماید و در برخی موارد قوانین خاص که وضع شده از جمله قانون گذرنامه، قانون ثبت احوال و قانون ثبت کاربرد دارد. در این راستا این جرم از جرائم مهم بر ضد امنیت و آسایش عمومی محسوب شده که تأثیر نامطلوبی در روند مناسبات و روابط افراد و اجتماع دارد و باعث خسارت مادی و معنوی افراد و جامعه می‌گردد. به لحاظ اهمیت و پیچیدگی جرم جعل، مواد ۵۲۳ الی ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات نیز به این جرم اختصاص یافته است. جرم دانستن جعل و تزویر بابت هدفی است که نوشته‌های مجعول به خاطر آن‌ها جعل می‌شوند به همین دلیل، قانونگذاران، استفاده از نوشته‌های مجعول را نیز جرم دانسته‌اند و جرم استفاده از سند یا نوشته مجعول اگرچه مکمل جرم جعل است، لیکن با استقلال و مجازات از جعل واجد عناصر متشکله خاص و در قوانین جزایی تابع مقررات مخصوص است.

واژگان کلیدی: جعل، استفاده از سند مجعول، جعل مادی، جعل معنوی، جرایم علیه آسایش عمومی.

* نویسنده مسئول: soheilamoradi@yahoo.com

مقدمه

جرم جعل از جمله جرایمی است که از دیرباز و از زمان پیدایش خط و اسناد در بسیاری از جوامع وجود داشته و با توجه به پیشرفت پدید آمده در عرصه دانش و فناوری در ابعاد و سطوح مختلف، شیوه ارتکاب آن در حال تحول بوده و این امر مسائل مهمی را برای مراجع قضایی و انتظامی به وجود آورده است. قصد متقلبانه در جرم جعل شامل سوء نیت عام یعنی علم و آگاهی مرتکب به اینکه حقیقتی را قلب می‌نماید و سوءنیت خاص یعنی علم و آگاهی مرتکب به اینکه در نتیجه قلب حقیقت ممکن است ضرر مادی یا معنوی متوجه شخص دیگر اعم از فرد یا جامعه گردد، می‌باشد. جرم جعل به ویژه جعل اسناد رسمی برخلاف جرائمی چون جاسوسی، شورش، سوء قصد به جان مقامات دولتی که مستقیماً با حاکمیت ملی برخورد می‌کنند و اساس و پایه های یک نظام را هدف قرار می‌دهند بیشتر با اموال مردم برخورد دارد، زیرا این جرم نقض حقوق مالکانه را مشتمل می‌باشند و آن را باید در زمره جرائم علیه اموال یا جرایم مالی بدانیم. لیکن، چون این جرم موجب سلب اعتماد مردم نسبت به صحت اسناد و ایجاد نگرانی و اختلال در معاملات روابط بازرگانی و اداری گردیده و آسایش عمومی را به خطر انداخته و بنیان‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌سازد، از جرائم علیه آسایش عمومی محسوب شده و به همین دلیل با واکنش شدید قانونگذار همراه است. به بیان دیگر با توجه به نقش حیاتی نوشتجات و اسناد، در ابعاد مختلف زندگی و احتیاجات روزانه مردم به نوشتجات و حفظ اعتماد عمومی جامعه نسبت به نوشتجات و اسناد تنظیم شده در مراکز دولتی و غیر دولتی، ایجاب می‌کند که باید صحت مضمون و محتوای نوشتجات و اسناد و اعتبار آن‌ها تضمین شود، بدون شک در صورتی که توسط جعل و تزویر اعتبار اسناد و نوشتجات در جامعه از بین برود و اعتماد عمومی نسبت به آن‌ها کم و کاسته گردد، این کار موجبات اختلال در روابط اجتماعی و باعث سلب آسایش مردم گردیده و ضرر و زیان‌های مادی و معنوی جبران‌ناپذیری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

مفهوم جرم جعل

در قوانین ما از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون تعزیرات ۱۳۷۵ تعریفی برای جمله جعل ارائه نشده بلکه تنها به مصادیقی از آن اشاره گردیده است. شاید تنها موردی که بتوان آن را تا حدی تعریف جعل تلقی نمود ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات باشد که مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.» به بیان دیگر جعل عبارتست از قلب متقلبانه حقیقت در یک نوشته و سند یا چیز دیگر به نحوی که باعث ضرر بالفعل یا بالقوه دیگری گردد و به طرق پیش‌بینی شده در قانون صورت گیرد. عناصر اختصاصی جرم جعل عبارتند از: ۱- تحریف و تغییر حقیقت در نوشته و سند به یکی از طرق مذکور در قانون. ۲- تحقق ضرر یا احتمال ورود ضرر ۳-

قصد متقلبانه که شامل عمد عام «علم مرتکب به مجرمانه بودن عمل» و عمد خاص «آگاهی او به اینکه فعل او ممکن است موجب ضرر احتمالی غیر گردد.» می‌باشد. قدیمی‌ترین سند تاریخی در مورد جرم جعل، مربوط به قانون حمورابی است که در آن تصریح شده چنانچه قاضی، پس از صدور رأی و مهر کردن آن، دست در آن رأی ببرد به پرداخت دوازده برابر خواسته دعوا که با جعل خود از بین برده است و انفصال ابد از منصب قضا محکوم خواهد شد. (سلیمان پور، ۱۳۹۶، ۷) برخی نویسندگان معتقدند که جعل و تزویر، جزء جرائم مصنوعی بوده و سابقه جرم انگاری آن‌ها به دوران اخیر، که در آن نوشتجات به علت تنظیم روابط حقوقی اعضای جامعه، اهمیت خاصی پیدا کرده‌اند، باز می‌گردد. (منصورآبادی و فتحی، ۱۳۹۲، ۹) به طور کلی جعل دارای مفهوم عام و خاص است. در مفهوم عام، به هر نوع قلب و وارونه جلوه دادن واقعیت اطلاق می‌شود. جعل در مفهوم خاص، تنها بر قلب متقلبانه حقیقت و تغییر واقعیت در نوشتجات، اسناد، و اشیای از این قبیل اطلاق می‌شود. از ویژگی‌های رکن مادی جعل، قلب حقیقت است؛ اگر این ویژگی منتفی شود وقوع این جرم نیز منتفی است. در متون فقهی از جعل و تزویر در نوشتجات و استفاده از نوشته جعلی به طور اجمال بحث شده است. شیخ طوسی در کتاب النهایه می‌نویسد: کسی که تصاحب در مال مردم با مکر و خدعه و تزویر در نوشته‌ها روا دارد مجازات و تأدیب وی واجب و باید آنچه گرفته را به طور کامل بازپس دهد و سزاوار است حاکم او را علنی مجازات کند تا دیگران عبرت گرفته و در آینده این گونه اعمال انجام نشود. (الطریحی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۱۱۴) فقها با ارائه این مطلب که سند بدون شاهد اعتبار چندانی ندارد، علت را احتمال جعل و تزویر در سند می‌دانند و آن را زمانی دارای اعتبار می‌دانند که شاهدهی دال بر ایمن بودن سند از جعل و تزویر وجود داشته باشد. برخی از حقوقدانان تعاریفی را برای جعل ارائه نموده‌اند که عبارتند از: ۱- جعل عبارتست از قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور قانون در سند یا نوشته یا چیز دیگر. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۶۵۴) ۲- جعل به فتح جیم به معنی تزویر و وضع است و مزور به معنی جاعل است. همه آن‌ها به معنی ساختن امری از روی قصد و بر خلاف واقع است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱۵۵۳) ۳- جعل و تزویر عبارتست از ساختن متقلبانه سند و یا اشیاء مشابه آن بر خلاف حقیقت به نحوی که متضمن ضرری برای دیگری باشد. (منصورآبادی و فتحی، ۱۳۹۲، ۲۳) ۴- جعل و تزویر عبارتست از متقلبانه حقیقت در سند یا چیز دیگر به قصد اضرار به غیر و به یکی از طرق پیش‌بینی شده در قانون. (احمدی، ۱۳۹۰، ۴۴) ۵- جعل عبارتست از ساختن چیزی بر خلاف حقیقت به منظور فریب دادن و گول زدن دیگری. (پیمانی، ۱۳۸۲، ۱۰۵) بنابراین از دیدگاه حقوق کیفری ایران، جعل و تزویر عبارتست از ساختن هر چیز مثل سند به یکی از طرق پیش‌بینی شده در قانون بر خلاف حقیقت و به ضرر دیگری. به بیان دیگر جرم جعل و تزویر عبارتست از ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به قصد جا زدن آن‌ها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ۲۴۷)

جرم جعل از دیدگاه فقها

از نگاه فقهاء امامیه جرم جعل از جرائمی تعزیری می‌باشد و جعل را با استناد به آیات قرآن و روایات حرام می‌دانند. فقها راجع به جعل و تزویر در کتاب‌های فقهی بحثی نکرده‌اند و به صورت بسیار کوتاه، موضوع تزویر را در ضمن مباحث دیگر اشاره کرده‌اند. شهید ثانی در شرح لمعه می‌نویسد: سه گروه مشمول عقوبت قطع دست نمی‌شوند: ۱- مختلس، فردی است که مال غیر را به طور مخفی از غیر حرز سرقت می‌کند. ۲- مستلب، کسی است که مال دیگری را به صورت آشکارا برداشته و فرار می‌کند که به اصطلاح به او کیف زن یا کف زن گفته می‌شود. ۳- محتال، کسی است که به وسیله نیرنگ و خدعه مال غیر را به چنگ می‌آورد که در اصطلاح امروزی به آن شخص کلاهبردار گفته می‌شود. به این صورت که با استفاده از نامه‌ها و نوشته‌های جعلی خود را عامل اخذ مال معرفی می‌کند یا اینکه با جعل کردن مهر و امضای شخص صاحب اصلی مال و مهر و امضا کردن نامه یا نوشته یا سند مجعول خود را به صورت عامل اخذ مال جلوه‌گر می‌سازد و بدین وسیله مال دیگری را تصاحب می‌کند و چنین شخصی بر طبق نظر حاکم شرع تعزیر و مجازات می‌شود، اما حد سرقت بر او جاری نمی‌شود، یعنی به عنوان سارق دستش قطع نمی‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۲۵ه.ق، ج ۳، ۴۱۴) مرحوم آیت الله خوئی می‌فرماید کلاهبردار کسانی هستند که با خدعه و نیرنگ و تزویر و جعل نامه‌ها و اسناد مال شخص دیگر را تصاحب کند. چنین افرادی حد سرقت بر آن‌ها جاری نمی‌شود و دستشان قطع نمی‌گردد، اما به جهت ارتکاب معصیت بزرگ حاکم شرع آن‌ها را تعزیر می‌کند. (موسوی خویی و سعید، ۱۳۹۳، ۱۶۱) در روایت موثقه سماعه آمده است که حضرت فرمود: کسی که با خدعه و فریب مال غیر را سرقت کند به عنوان سارق دستش قطع نمی‌گردد؛ لکن به شدت زده می‌شود؛ یعنی حاکم شرع او را تعزیر می‌کند. (الحر العاملی، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۱۸، ۱۲) در این عبارت مرحوم خویی بحث از جعل و تزویر مطرح شده؛ اما نه به صورت مستقل بلکه در ضمن بحث از کلاهبرداری، به جرم مزبور هم اشاره شده است. مرحوم شیخ طوسی نیز بحث از جعل و تزویر را در قالب بحث کلاهبرداری مطرح نموده و در کتاب النهایه می‌نویسد: کسی که با نیرنگ و مکر و تزویر در اسناد و نوشتجات مال غیر را متصرف می‌شود، مجازات و تأدیب او واجب بوده و آنچه را از مال غیر به وسیله جعل و تزویر در نوشته و نیرنگ و فریب ربوده است، باید به طور کامل به صاحب اصلی مال برگرداند و بر حاکم شرع سزاوار است که شخص خطاکار را به صورت علنی محاکمه و مجازات کند تا مایه عبرت دیگران شود و در آینده افرادی دیگری به سوی اینطور افعال مجرمانه گرایش پیدا نکنند. (شیخ طوسی، بی تا، ۷۲۱)

اکثر فقهای امامیه جعل و تزویر را تعریف نکرده، بلکه در قالب تعریف از جرم کلاهبرداری، جرم جعل را به عنوان مثال مطرح کرده‌اند. فقها، با ارائه این مطلب که سند بدون شاهد اعتبار چندانی ندارد، علت آن را احتمال جعل و تزویر در سند می‌دانند و آن را زمانی دارای اعتبار می‌دانند که شاهدی دال بر ایمن بودن سند از جعل و تزویر وجود داشته باشد. (مهاجرین و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۵)

صورت‌های عمل در انواع جعل سند

قلب یا تغییر حقیقت در جعل ممکن است به صورت مادی یعنی با دست بردن در خدمات و ارقام نوشته و سند یا ساختن سند و نوشته و مهر و امضاء باشد و یا به صورت مفادی یعنی نسبت به مفاد نوشته و سند بدون داشتن آثار مادی و خارجی می‌باشد. در نتیجه جعل سند به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود که صورت‌های عمل هم با توجه به این دو نوع متفاوت می‌باشد.

صورت‌های عمل در جعل مادی سند

با توجه به اینکه مستند قانونی جعل مادی سند ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی تعزیرات است، با ملاحظه این ماده اینطور استنباط می‌شود که صورت‌های عمل در این جرم می‌تواند به دو صورت ساختن و تخدیش (دست بردن در سند) باشد. یعنی گاهی کل سند از ابتدا تا انتهای آن ساخته می‌شود. مثلاً قولنامه‌ای که اصلاً وجود خارجی ندارد ساخته می‌شود که در آن شخص الف تعهد کرده که خانه خود را به شخص ب در ازاء فلان مبلغ واگذار کند و گاهی ساختن جزئی از سند می‌باشد، یعنی سندی در خارج وجود دارد که در آن دست برده می‌شود و کلمات، ارقام و ... به آن اضافه شده یا کم می‌شود که صورت‌های آن در ماده فوق‌الذکر آمده است و اصولاً هرگونه تغییری که در تخدیش صورت می‌گیرد به صورت مادی است که این موارد بعد از تنظیم سند می‌باشد.

صورت‌های عمل در جعل معنوی سند

ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» صورت‌های عمل مندرج در این ماده را می‌توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود: ۱- تغییر دادن موضوع یا مضمون نوشته ۲- گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کردن ۳- امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل جلوه دادن ۴- چیزی که بدان اقرار نشده، اقرار شده جلوه دادن.

شرط تحقق جرم استفاده از سند مجعول

جرم استفاده از سند مجعول، استعمال متقلبانه سند مجعول است. بر اساس این تعریف ارکان اختصاصی متشکله این جرم عبارتند از: استعمال کردن، مجعولیت شیء، قصد متقلبانه. جعل و استفاده از مجعول دو جرم مستقل و متمایز از هم بوده و هر کدام واجد عناصر متشکله خاص

خودش می‌باشند و از حیث قوانین کیفری نیز مشمول مقررات متفاوتی می‌باشند. بر طبق مواد مختلف در قانون مجازات اسلامی ایران کسی که با علم و آگاهی از اشیاء مجعول استفاده کند مرتکب جرم شده و آن جرم مستقلاً قابل تعقیب و مجازات است و مجازات آن در برخی از موارد عیناً همان مجازات جرم جعل می‌باشد. جرم استفاده از سند مجعول، اکثراً توسط فرد جعل‌کننده و متعاقب جرم جعل واقع می‌شود؛ اگر چه گاهی ممکن است استفاده‌کننده از مجعول فرد دیگری غیر از شخص جاعل باشد و هم چنین ممکن است در برخی از اوقات بین جاعل و استفاده‌کننده از سند مجعول تبانی و همکاری صورت گرفته باشند که در این فرض حسب مورد ممکن است هر یک از مرتکبین به عنوان شریک یا مباشر یا معاون یا مباشرت در یکی و معاونت در دیگری تحت تعقیب و مجازات قرار بگیرند؛ به عبارتی دیگر چنانچه هر یک از دو جرم جعل و استفاده از مجعول با همکاری و مباشرت طرفین انجام گرفته باشند هر کدام از طرفین به عنوان شریک در جرم مزبور قابل تعقیب و مجازات هستند و اگر چنانچه هر یک از طرفین نسبت به ارتکاب یکی از جرائم مباشرت و نسبت به دیگری معاونت (ترغیب و تشویق و آماده کردن امکانات) کرده باشد. در این صورت هر کدام به عنوان شرکت و معاونت در جرم قابل مجازات می‌باشد. حتی در صورتی که هر دو جرم جعل و استفاده از سند مجعول توسط یک نفر انجام پذیرفته باشد از نظر قانونی هر یک از دو جرم مستقل و دارای مجازات جداگانه می‌باشند. (سالاری شهربابکی، ۱۳۹۱، ۱۶۵) بنابراین شرط تحقق جرم استفاده از سند مجعول بدین صورت است: ۱- با یکی از شیوه‌های به کاربردن، تسلیم کردن، واگذار کردن، و یا انتشار دادن به آن استناد کند. ۲- جهت دریافت وجه یا مبادله‌ای کالا و غیره، آن سند را ارائه نماید و یا در جریان بگذارد. ۳- با قصد اغفال یا تقلب و با علم به مجعول و مزور بودن سند، آن را مورد استفاده قرار دهد. (مقصودی، ۱۳۹۲، ۱۱۸) لازم به ذکر است که مجازات استفاده‌کننده از مجعول منوط و مشروط به مجازات جاعل نیست؛ چرا که ممکن است جاعل اصلاً شناخته نشود یا اینکه جاعل فرد صغیر، مجبور یا جاهل به حقیقت امر باشد و از نیت مجرمانه متقاضی اطلاعی نداشته باشد؛ مثل اینکه کسی از مهر سازی بخواهد که بر اساس مدارک مهری برای او بسازد و مهر ساز جاهل به جعلی بودن مدارک باشد و از نیت مجرمانه او آگاهی نداشته باشد و مهری برای متقاضی بسازد و شخص متقاضی از آن مهر ساخته شده استفاده کند قطعاً در این صورت مهر ساز بی‌گناه و شخص متقاضی مهر به عنوان استفاده‌کننده از مهر مجعول، قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. استفاده از مجعول تابع جرم جعل است؛ یعنی تا تحریف و تقلب کردن چیزی جرم تلقی نشود، استفاده از آن عنوان جرم به خود نمی‌گیرد. مراد از شیء مجعول، حاصل شدن نفع مادی یا معنوی نیست بلکه به لحاظ مطلق بودن جرم استفاده از مجعول، منظور از استفاده، استعمال کردن، به کار بردن، انتشار دادن، مبادله و تسلیم نمودن و استناد کردن و نظایر آن می‌باشد ولو هیچگونه نفعی مادی یا معنوی برای استفاده‌کننده در بر نداشته باشد و یا هیچ‌گونه ضرری هم برای کسی وارد نکند. همچنین به نظر می‌رسد جرم استفاده از سند مجعول یک جرم آنی است و جرم استفاده از مجعول زمانی تحقق پیدا می‌کند که دارنده سند آن را به هدف استفاده از آن بدست آورده باشد فرقی نمی‌کند که سند مجعول را

خودش جعل کرده باشد یا دستور ساختن آن را داده باشد و یا بدون آماده کردن مقدماتی آن را یافته باشد تا زمانی که به استفاده کردن از آن شروع نکرده است جرم استفاده از سند مجعول محقق نشده است؛ اما همین که به صورت عالمانه و عامدانه به استفاده از آن شروع کرد، اعم از اینکه منجر به نتیجه مطلوب بشود یا نشود و باعث وارد آمدن ضرر به غیر گردد یا نگردد، این جرم تحقق یافته است و استفاده کننده از مجعول قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. مقررات و قوانین وضع شده در رابطه با جرم جعل به طور اجمال نشان دهنده این مطلب است که مجازات جرم جعل از نوع تعزیر می باشد و میزان آن از حیث شدت با قطع نظر از عوامل تشدید مانند سابقه محکومیت کیفری، تعدد و تکرار جرم، اوضاع و احوال وقوع جرم، به دو عامل بستگی دارد: یکی شخصیت حقوقی مرتکب به اعتبار داشتن سمت دولتی و ارتکاب جرم در این ارتباط. دیگری به اعتبار نوع شیء و نوشته‌ای که موضوع این جرم واقع می‌شود.

جرم جعل در حقوق انگلستان

قوانین جعل در این کشور را می‌توان به سه دوره قوانین عرفی انگلستان، قانون جعل ۱۹۱۳ و قانون جعل ۱۹۸۱ تقسیم کرد. در قوانین عرفی انگلستان، جعل سند جرم شناخته شده و بدین شرح از آن تعریف به عمل آمده که ساختن مزورانه یا متقلبانه (یا تحریف) سند یا نوشته (یا قسمتی از آن) که به زیان شخص ذی‌حق باشد و به عبارت دیگر ساختن سند با قصد و منظور تقلب. به موجب قانون جعل ۱۹۱۳ بند ۱-۳۷۴ قسمت اول قانون جعل چنین مقرر می‌دارد: «مطابق با اهداف این قانون جعل عبارتست از ساختن متقلبانه یک سند بدین منظور که احتمالاً به جای سند اصیل به کار رود و در مورد مهر و امضاهای ذکر شده در این قانون ساختن آن‌ها و جعل آن‌ها با قصد فریب یا تقلب (بنا به مورد) به صورتی که این قانون مقرر می‌دارد.» به موجب ماده ۷ لایحه ۱۹۱۳ قوانین موضوعه انگلیس، جعل عبارتست از ساختن سند تقلبی (بدلی) بدین منظور که احتمالاً به جای سند اصیل مورد استفاده قرار گیرد. طبق قوانین انگلستان در موارد زیر سند مجعول شناخته می‌شود: ۱- وقتی مسلم شود که تمام یا جزء مهم از سند به نام یا به حساب شخصی تنظیم شده است که آن شخص در واقع نه چنین سندی را نوشته و نه دستور آن را داده است. ۲- تاریخ و محل تنظیم سندی بر خلاف حقیقت در آن ذکر شده باشد و یا در اسنادی که با شماره و یا مارک مخصوصی مشخص می‌شود در شماره یا در یکی از اجزاء مارک تغییری داده باشد. ۳- تغییرات مادی دیگر از قبیل الحاق و محو کردن و ابطال و خط زدن یا جدا کردن قسمتی از نوشته به عمل آمده باشد. ۴- مشخص شود که تمام یا جزء مهمی از سند مستقیماً یا مع الواسطه به نام و به حساب شخص موهوم یا شخصی که در حین تنظیم سند در حیات نمی‌باشد ساخته شده است. ۵- اگر هم نوشته به نام شخص ذی‌حیاتی تنظیم شده به این قصد شناخته شده باشد که به نام آن شخص موهوم یا شخص دیگر غیر از آن کسی که واقعاً سند را تنظیم کرده مورد استفاده واقع شود. در عین حال ممکن است نوشته‌ای مجعول تلقی گردد، در حالیکه شامل هیچ یک از شرایط فوق نباشد. نوع خط و زبانی که به نوشته تنظیم شده و محل

تنظیم سند مناط تحقق جعل نیست. در قانون جعل ۱۹۸۱ که بر اساس گزارش کمیسیون حقوقی منتشره در سال ۱۹۷۳ تصویب شد، قوانین قبلی از جمله قانون جعل مصوب ۱۹۱۳ و قانون سکه سازی مصوب سال ۱۹۶۳ را نسخ و مقررات جعل در کامن‌لا را لغو کرد. این قانون گامی در راستای تدوین قوانین و مقررات جزایی در حقوق انگلستان می‌باشد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ۲۴۲) ماده یک قانون جعل و قلب سکه مصوب ۱۹۸۱ مقرر می‌دارد: «یک شخص مقصر برای جرم جعل می‌باشد، اگر سند تقلبی برای استفاده از آن به عنوان سند واقعی تنظیم نماید.» به موجب بخش اول قانون جعل و قلب سکه مصوب سال ۱۹۸۱، جعل عبارتست از ساختن یک مدرک تقلبی به قصد آنکه شخص سازنده یا شخص دیگری به وسیله آن کسی را اغوا به پذیرش آن به عنوان اصل کند تا بدین ترتیب او به ضرر خود عملی را انجام داده یا از انجام آن سرباز زند. بنابراین عنصر مادی این جرم در حقوق انگلستان ساختن یک مدرک تقلبی است که مطابق بخش (۲) قانون «تغییر دادن» آن را نیز در بر می‌گیرد. مطابق قانون فوق‌الذکر، جعل در مورد تمامی اسناد رسمی و غیر رسمی، تمبر، نقش تمبر، نوارد دیسک و یا هر چیز دیگری که بر روی آن اطلاعاتی به طرق مکانیکی، الکترونیکی یا سایر وسایل، ضبط یا ذخیره می‌شود قابل تحقق و ارتکاب و مجازات پیش‌بینی شده برای آن حداکثر ده سال حبس است، مگر آنکه قانون در موارد خاص مجازات دیگری را برای آن پیش‌بینی کرده باشد. مطابق با قوانین انگلستان، شبیه سازی در ردیف ارکان بزه جعل قرار نمی‌گیرد. آنچه از دیدگاه این قانون مهم و اساسی بوده، تحقق جعل است اعم از اینکه شبیه سازی تام یا ناقص و یا رعایت نشده باشد. در قسمتی از قانون ۱۹۱۳ چنین آمده است: «... کافی است سند مزور تا آن حد یا سند اصیل شباهت داشته باشد که اشخاص مجرب و فوق العاده باهوش مزور بودن سند را به محض مشاهده تشخیص دهند.» در حقوق انگلستان نیز شبیه سازی با شرایط فوق شرط تحقق بزه جعل قرار داده شده است. مثلاً در یکی از آراء جنایی انگلستان گفته شده است: «... اگر سند مزور از لحاظ صورت ظاهر فاقد شباهت با سند اصیل بوده و بی اعتباری آن بدیهی و آشکار باشد، سازنده آن سند ظاهراً نباید مرتکب جعل شناخته شود.»

راه‌های پیشگیری از جعل اسناد

پیشگیری از ارتکاب جرایم در تمامی زمینه‌های متصور اجتماعی، فرهنگی، قضایی، آماری به مراتب سودمندتر و کاراتر از مقابله با جرائم دانسته و هزینه‌های انجام آن و ماندگاری آثار پیشگیری بر همگان مسلم و محرز است. توصیه تمامی جامعه شناسان و جرم شناسان تمرکز بر بحث پیشگیری از وقوع جرایم و سعی در این زمینه است. در بحث جعل اسناد توجه به آثار مخرب و به روز بودن مجرمین و افراد درگیر که با استفاده از روش‌های مدرن و تکنیک‌های جدید به جعل و استفاده از اسناد مجعول می‌پردازند، ضرورت توجه به پیشگیری و از بین بردن زمینه‌ها و موجبات و مقدمات جرم امری اساسی و غیرقابل اجتناب است که به صورت خلاصه بیان می‌گردد:

۱- واگذاری امور تصدی گرایانه به بخش خصوصی و حفظ امور حاکمیتی و خودداری از توسعه وظایف فعلی. ۲- ارائه آموزش همگانی به منظور تقبیح عمل و رویگردانی عموم از ارتکاب عمل. ۳- اعمال نظارت بر اماکن و صاحب حرف از جمله سازندگان و تولیدکنندگان وسائط و لوازم ذیربط. ۴- بالابردن ضریب امنیتی اسناد مورد استفاده از طریق به کار بردن اسناد خاص، مهرهای برجسته و ... ۵- آموزش دائم کارکنان به منظور رعایت اصول امنیتی و کشف و شناسایی و مبارزه با اسناد جعلی. ۶- پیشگامی در استفاده از اسناد الکترونیک و حذف سیستم اداری سنتی موجود. ۷- خودداری از ارائه اسناد به ارباب رجوع و حذف گردش کار فعلی ۸- نظارت الکترونیک بر اسناد صادره و بازرسی دائمی گردش کار. ۹- ایجاد بایگانی مکانیزه ۱۰- ایجاد سیستم مکانیزه واحد ثبت و صدور اسناد ۱۱- بروز نمودن مقررات و ساز و کارهای داخلی و نظارتی.

بنابراین پیشگیری کیفی با ارباب انگیزی فردی و جمعی از ارتکاب نخستین و تکرار جرم جعل پیشگیری می‌نماید. همچنین پیشگیری اجتماعی با ایجاد اصلاحات در فرد و جامعه از طریق آموزش و تربیت و پیشگیری وضعی با کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جعل، نقش به‌سزایی را در کاهش ارتکاب جعل ایفاء می‌نماید. کاربردی‌ترین شیوه افزایش ضریب ایمنی اسناد، به کارگیری تکنولوژی‌های نوین در تولید اسناد و استفاده از کارت‌های هوشمند است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد مشخص می‌شود جعل از جمله جرائمی است که با ارتکاب آن اعتماد مردم نسبت به اسناد و نوشته‌ها و سایر چیزهای مصرح در قانون کم کم رنگ خود را می‌بازد و باعث سلب اعتماد افراد به اسناد و نوشته‌های موجود بین آن‌ها می‌شود. این بزه در مواردی به صورت خطرناک‌تر و با قصد اخلال در نظام اقتصادی کشور و مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران ارتکاب می‌یابد و از این روست که بزه جعل در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی است. تنها ویژگی که عنصر ضرر در بزه جعل را از ضرر در سایر جرائم متمایز می‌سازد این است که واقع شدن ضرر شرط تحقق بزه جعل نیست و امکان تحقق ضرر هم اگر احراز شود، برای وقوع جعل کافی خواهد بود. به عبارت دیگر ضرر آنی شرط نیست، بلکه ضرر بالقوه و خسارت احتمالی نیز برای صدق عنوان جعل کافی خواهد بود. شدت و ضعف مجازات جعل در درجه اول بستگی به نوع سند موضوع جعل یعنی اسناد دولتی و رسمی و تجاری و عادی و در درجه دوم بستگی به شغل و سمت شخصی دارد که مرتکب جعل شده، یعنی جعل به وسیله مأمور و مسئول دولت، جعل به وسیله افراد عادی دارد. برای تضمین اعتبار مدارک اسناد دولتی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که با شدت وحدت با افراد خاطی و جاعل اسناد و مدارک و اسکناس و ارز، برخورد شود و در مجازات و تنبیه کسانی که در این گونه مدارک و اسناد دست تعرض دراز می‌کنند، نباید سستی ورزید. با توجه به اینکه در طول زمان اسناد و مدارک متحول و دگرگون شده نباید صرفاً اسناد کتبی مورد حمایت قانونگذار باشد بنابراین کارکنان ثبت و ضبط اسناد و مدارک دولتی و کنترل پول و ارز باید با پیشرفته‌ترین ابزارهای جعل اسناد، مدارک، پول و ارز آشنا شوند و آمادگی

لازم برای مبارزه با روش‌های جدید جعل، جرح و تعدیل، حقه‌بازی، حيله‌گری و تقلب در اسناد و مدارک و پول کشور را داشته باشند. ذکر دو کلمه جعل و تزویر در مواد قانونی مربوط به جعل در قانون مجازات اسلامی تعزیرات از جمله ماده ۵۲۳ این قانون و عدم ذکر یکی از آنها در برخی از مواد به دلیل مترادف بودن و هم معنی بودن آنها می‌باشد. پس به نظر می‌رسد که استعمال دو عنوان جعل و تزویر ضرورت ادبی و حقوقی نداشته و عنوان جعل به تنهایی کافی برای نشان دادن مقصود می‌باشد و پیشنهاد می‌گردد مقنن در مواد مربوط به جعل از عنوان جعل بهره جوید. البته صرف جرم انگاری و مجازات برای جرم جعل کافی به مقصود نمی‌باشد و می‌بایست سیاست جنایی منسجم با تحولات تکنولوژی و اسناد اتخاذ گردد.

منابع و مراجع

- احمدی، مهدی (۱۳۹۰)، جعل اسناد رسمی و کلاهبرداری در قوانین ثبتی، چ ۱، تهران: انتشارات دانشور.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۸۲) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، چ ۱۰، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- الحرالعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۲.ه.ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، باب ۱۲، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- سالاری شهربایگی، میرزا مهدی (۱۳۹۱) حقوق کیفری اختصاصی تحلیل جرم جعل و تزویر، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- سلیمان پور، محمد (۱۳۹۶)، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی، چ ۴، تهران: گنج دانش.
- الشهیدالثانی، زین الدین (۱۴۲۵.ه.ق) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، الطبعة الثالث، انتشارات قدس رضوی.
- الطریحی، فخرالدین (۱۳۸۱.ه.ق)، مجمع البحرین، چ ۱، دارالثقافة، النجف.
- الطوسی، محمدبن الحسن (بی تا) النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، قم: انتشارات قدس محمدی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، جرایم علیه تمامیت جسمانی و شخصیت معنوی، چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مقصودی، سهراب (۱۳۹۲) تحلیل جرم جعل و پایه‌ها و مبانی کشف آن، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- منصورآبادی، عباس و فتحی، محمد جواد (۱۳۹۲)، جعل و تزویر و جرایم وابسته، چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
- مهاجرین، رضا و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی جرم جعل و تزویر از منظر آموزه‌های اسلامی»، پژوهشنامه حقوقی، سال دوم، شماره دوم.
- موسوی الخویی، سیدابوالقاسم و سعید، علیرضا (۱۳۹۳) مبانی تکملة المنهاج، ج ۱ و ۲، چ ۴، تهران: انتشارات خرسندی.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۵)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۷، تهران: انتشارات میزان.